



نمونه نامه

« متن انتقادی (آوانویسی)، واژه‌نامه، نمایه بهلوی »

دکتر یدالله منصوری - پویا شریفانی



نامه‌های منوچهر

[متن انتقادی (آوانویسی)، واژه‌نامه، نمایه پهلوی]

نام کتاب: نامه‌های منوچهر

امتن انتقادی (آوانویسی)، واژه‌نامه، نمایه پهلوی

نویسندگان: دکتر یدالله منصوری و پویا شریفانی

طراح جلد: مهدی رادمهر

ناشر: آوای خاور

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: یکم

چاپ: روز

قیمت: جلد شومیز ۴۰۰۰۰۰ ریال ، جلد گالینگور ۵۰۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای نویسندگان محفوظ است.

مرکز پخش: تهران. بالاتر از میدان ولیعصر. کوچه فرخی پلاک ۴۱ واحد ۷

Mobile: (+98) 930 554 03 08

Tel: (+98) 21 888 956 21

Fax: (+98) 21 364 262 58

www.avayekhavar.ir

نامه‌های منوچهر

[متن انتقادی (آوانویسی)، واژه‌نامه، نمایه پهلوی]

دکتر یدالله منصوری

(هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

پویا شریفانی

(دانش‌آموخته زبان‌های باستانی)

انتشارات آوای خاور

تهران، ۱۳۹۴

سرشناسه : منصوری، یدالله، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور : نامه‌های منوچهر [متن انتقادی (آوانویسی)، واژه‌نامه، نمایه پهلوی] /

یدالله منصوری، پویا شریفانی.

مشخصات نشر : تهران: آوای خاور، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۴۵۲ ص.

شابک : 978-600-95387-3-7

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : واژه‌نامه.

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

موضوع : زبان پهلوی - متنها

موضوع : زبان پهلوی - نویسه‌گردانی

موضوع : ادبیات پهلوی - تاریخ و نقد

شناسه افزوده : شریفانی، پویا، ۱۳۵۷ -

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ ن ۲ م ۸ / PIR 2051

رده‌بندی دیویی : ۰/۰۶ فا ۴

شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۷۰۴۹۵

فهرست

پیش‌گفتار.....	۷
نشانه‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها.....	۱۹
آوانویسیِ متن.....	۲۳
برگردانِ نامهٔ سوم.....	۱۲۷
واژه‌نامهٔ پهلوی.....	۱۳۵
کتاب‌نامه.....	۲۵۹
نمایهٔ پهلوی.....	۲۶۵
نمایهٔ اعداد.....	۳۳۷
نمایهٔ اوستایی.....	۳۴۱
متن پهلوی.....	۳۴۷

پیش‌گفتار

کتابی که پیش‌روی خوانندگان است متن انتقادی دست‌نویس پهلوی نامه‌های منوچهر، موبد بزرگ پارس و کرمان، از سده نهم میلادی است. روشن است که یکی از کارهای ارزشمند، ویرایش و تصحیح انتقادی و برگردان و ترجمه متون کهن ایرانی است؛ کار ما هم در راستای چنین نگرش و دیدگاهی انجام گرفته است تا شاید گامی باشد، هرچند ناچیز، در پژوهش‌های ایرانی و زبان‌شناسی تاریخی ایران.

متن پهلوی نامه‌های منوچهر یکی از متون دشوار و پیچیده‌ای است که تاکنون بررسی درست و دست‌نویس منقح از آن صورت نگرفته است و به پیروی از آن برگردان و ترجمه فارسی هم به صورت کتاب منتشر نشده است. متن پهلوی آن را دابار دانشمند پارسی به سال ۱۹۱۲ در بمبئی چاپ کرده است.^۱ باید یادآوری کرد که با وجود دشوارخوانی و اغلاط املایی و نادرستی‌های رسم‌الخط، کار دابار بسیار ارزشمند است و می‌توان گفت که تنها ویراست ارزشمند و معتبر برای این متن است. دابار این اثر نادر را در ۹۹ صفحه با آوردن نسخه‌بدل‌های گوناگون تطبیقی برای همه واژگان پرسش‌برانگیز برپایه دست‌نویس‌های یادشده کار سترگی را سامان داده است. اما کار متن برای دریافت محتوا و جستارهای آن تنها از طریق متن تکمیل نمی‌شود، بلکه در بررسی این‌گونه متون نیاز است گام‌های دیگری نیز برداشته شود. گام دوم ارائه آوانویسی یا آوانوشت درست و

^۱ E. B. Dhabhar 1912

دقیق این‌گونه متون است و گام پایانی، دست‌کم برای ایرانیان، برگردان و ترجمه این متون به زبان قابل‌فهم فارسی است. نامه‌های منوچهر، یکی از آن متون دشوار پهلوی است که ایران‌شناسان و زبان‌شناسان تاریخی خواهان دست‌یابی به درون و جستار محتوایی آن متن بوده و هستند. ولی پیچیدگی متن چنین امکانی را به آسانی به پژوهشگر نمی‌دهد.

دایار دانشمند پارسی دیباچه درازدامنی در دست‌نویس پهلوی این متن آورده است.^۲ در این‌جا آهنگ بازگویی سخنان و دیدگاه ایشان را نداریم و آنچه که نیاز است پرداختن به سرگذشت کوتاهی از نویسنده نامه و خود نامه‌ها و سخن کوتاهی از درون‌مایه متن است.

سرگذشت منوچهر

منوچهر فرزند گشن جم رد (رهبر معنوی) و فرمدار موبدان (موبدان موبد) و پیشوای سرزمین پارس و کرمان در سده نهم میلادی برابر ۲۵۰ یزدگردی بود. پدر او، گشن جم فرزند شاپور، پیشوای بهدینان بود که پس از مرگش منوچهر جانشین وی شد؛ هم‌چنین نیاکان وی تا ده نسل که به آذربای مارسپندان، موبدان موبد زمان شاپور دوم ساسانی (۳۷۹-۳۰۹ م.) می‌رسد، پشت اندر پشت همه موبد و دین‌مرد بودند. او سه برادر داشت به نام‌های ژروانداد، اشوهیشت و زادسپرم که همگی موبد و دانشمند دینی بودند و هر یک دارای آثار و نوشته دینی. متن نام‌آشنای پهلوی به نام دادستان دینی که در ۹۲ پرسش گردآوری شده نوشته دیگری از خود منوچهر است. چنان‌که از درون‌مایه آثار منوچهر برمی‌آید

^۲ E. B. Dhabhar 1912, pp. 1-20.

او مردی سخت دانا و فاضل در امور دینی و بسیار متعصب و جزم‌اندیش در آن به‌شمار می‌آمده است. او پیشه موبدی را بر دیگر پیشه‌ها به‌ویژه دبیری و نویسندگی برتری می‌داده است و به زبان قلم آورده است که در پیشه دبیری چندان توانا و چیره‌دست نیست و ادعایی هم در آن ندارد (نک. نامه‌ها). سبک و سیاق نامه‌ها گویای درستی سخنان اوست. منوچهر دارای سه نامه است که در زیر به گزارش چندی و چونی آن‌ها می‌پردازیم.

نامه‌های منوچهر

منوچهر سه نامه درباره آیین برش‌نوم از خود برجای گذاشته است. نخستین نامه او خطاب به مردم سیرکان (سیرجان) است. دومین نامه او به برادر خود، زادسپرم هیربد سیرکان (سیرجان) است و سومین نامه‌اش که یک نامه سرگشاده به‌شمار می‌آید، خطاب به همه به‌دینان پارس و کرمان و ایران زمین است. از این نامه‌ها برمی‌آید که زادسپرم، هیربد سیرجان در برگزاری آیین برش‌نوم که بسیار دشوار و مفصل بوده و شرح آن در وندیداد نهم اوستا (بند ۱ تا ۳۰) آمده است، به پیروانش دستور داده به جای آن از آیین برش‌نومی استفاده کنند که بسیار کوتاه و ساده‌تر از آن است و شرح آن در وندیداد هشتم اوستا در بندهای ۹۹ تا ۱۰۳ آمده است. دین‌داران بسیار متعصب سیرجان از این فتوای او سخت برآشوفتند و چنان پنداشتند که او نوآوری کرده و بدعت در دین آورده است و از کار او به برادر بزرگتر وی، منوچهر، موبد بزرگ پارس و کرمان، شکوه کردند و برداشت و نظر او را در این مورد جويا شدند. و از وی خواستار رسیدگی به این مسئله شدند. منوچهر نیز هم‌چون دین‌داران سخت‌گیر برآشوفت و آزرده‌خاطر شد به

شیراز رفت با زردشتیان انجمن فراگیر تشکیل داد و از آن شهر نخستین نامه درباره نظرات و استدالات خود و انجمن را آن‌چه درباره برگزاری آیین برش‌نوم ضروری بود به مردم سیرجان نوشت. منوچهر در استدالات خود از گزارش‌گران و مفسران پهلوی درباره برش‌نوم که در وندیداد آمده به‌خوبی بهره می‌برد و فتوای برادرش، زادسپرم را رد کرده و سخت بدان می‌تازد و آن را مغایر با شرع و قانون زردشتی می‌داند و او را یک بدعت‌گزار دینی اعلام می‌کند. دومین نامه را به خود زادسپرم می‌نویسد و گویا آن را با پیکی به‌نام یزدان‌پناه به سوی زادسپرم گسیل می‌دارد (نک. نامه نخست، فصل یازده، بند ۶ و ۱۰). در این نامه نیز همان مسائل را دوباره طرح می‌کند. نامه سوم را در قالب یک نامه سرگشاده، خطاب به همه به‌دینان پارس و کرمان و ایران‌زمین می‌نویسد و از آنان می‌خواهد از برگزاری برش‌نوم با فتوای زادسپرم سخت بپرهیزند و به برش‌نوم پیشین و اصلی بازگردند.

آیین برش‌نوم

واژه برش‌نوم برگرفته است از واژه اوستایی *barəšnu* «سر، بلندی، نوک، بالای هرچیزی» (در حالت دستوری رایج مفرد به ریخت *baršnum*) و آن خود برگرفته است از ریشه *barəz* به معنی «بلند بودن».^۳

آیین برش‌نوم برای پاک شدن و شست‌وشوی (تطهیر و غسل) کسی که بر خوردی و تماسی با تن مرده داشته یا به مردار دست زده یا چیز آلوده‌ای را لمس کرده برگزار می‌شود؛ نیز برای پاک‌ی روان کسی که (مرده یا زنده) خواندن وندیداد برای خود و روان خویش یا برای شادی روان درگذشتگان همراه با

^۳ Chr. Bartholomae 1904, 951.

برگزرای آیین برش‌نوم نُشوَه (نُشه) که کرفه بزرگی است اجرا می‌گردد. هم‌چنین به سبب این‌که نوزاد در شکم مادر خونِ دشتان (حیض) می‌خورد و بر تن او ناپاکی وارد می‌شود، این آلودگی همانندِ گناهِ ازلی نیازمند زدودن آن از تن انسان است تا روانِ او بتواند به بهشت راه یابد. این آیین را نوزودی می‌نامند. در درازای زندگی هرکسی باید دست‌کم یک‌بار آیین برش‌نوم نُشه را برگزار کند. اگر کسی نتواند آن را در زندگی برگزار نماید، پس از مرگ، کسی را به‌عنوان «گیتی‌خرید» برگزیده و به او خواسته و مالِ گیتی می‌دهند تا او به جایِ شخصِ درگذشته به اجرای برش‌نوم و دیگر اعمال بپردازد. البته آیین برش‌نوم در متون دینی به شکلِ گوناگون و پیچیده است و امروزه از همهٔ آن‌ها، برش‌نوم نُشوَه (به نُشوَه رَوَد) برجای مانده است.

در نندیداد آمده است که به‌دینان هنگامی که با تنِ مرده برخورد کنند و تماسی با آن داشته باشند باید برای پاکیزگی (تطهیر) از آن آلودگی اجرا کنند که به آن برش‌نوم می‌گویند. گزارش آن بدین‌گونه است:

۱) برگزرای آیین برش‌نوم بدون سپری کردن نُشه شب دور از دیگر به‌دینان، برپایهٔ فرگردِ هشتم و نندیداد، بندهای ۳۷ تا ۷۲.

۲) برگزرای برش‌نوم ساده بدون انزوا و سپری کردن نُشه شب دور از مردم، برپایهٔ فرگردِ شانزدهم و نندیداد، بند ۱۲.

۳) برگزرای آیین برش‌نوم با انزوا و سپری کردن نُشه شب دور از دیگران که به برش‌نوم نُشوَه (نُشه) معروف است، برپایهٔ فرگردِ نهم و نندیداد.

۴) پاک شدن و تطهیر از طریق برش‌نوم کوتاه و مفصل برپایه فرگرد نوزدهم بند ۲۵.

روشن است که جستارها و مفاهیم آغازین برش‌نوم در درازای زمان از میان رفته است و موبدان و دین‌مردان تنها از برش‌نوم نه‌شبه در آیین تطهیر و شست‌وشو و پاک شدن از آلودگی و هم‌چنین در برگزاری دیگر آیین‌های چون یسنا و وندیداد پیروی می‌کنند.

یادآوری می‌شود که برش‌نوم باید در برش‌نوم‌گاه برگزار شود که زمان و مکان و شرایط آن خاص است. دست‌کم باید سی گام دور از شهر و آب و آتش و برسم و غیره باشد. موبد برگزارکننده سه گام از شخص آلوده باید فاصله داشته باشد تا مراسم را اجرا کند. برای شرح کامل این آیین با جزئیات بیشتر به کتاب ارزشمند مودی، به نام مراسم و آیین‌های دینی پارسیان، فصل پنج، مراجعه شود.^۴

ساختار نامه‌های منوچهر

اینک گزارش کوتاهی از ساختار نامه‌های سه‌گانه منوچهر: نامه نخست دارای ۱۱ فصل یا بخش است. پیش از آغاز فصل‌ها خواننده با یک پیش‌درآمد یا مقدمه کوتاه روبرو می‌شود. فصل نخست دارای ۵ بند، دوم ۱۴ بند، سوم ۱۷ بند، چهارم ۱۸ بند، پنجم ۸ بند، ششم ۱۱ بند، هفتم ۱۸ بند، هشتم ۷ بند، نهم ۱۵ بند، دهم ۱۳ بند و یازدهم ۱۳ بند است که طولانی‌ترین نامه منوچهر، این نامه است.

^۴ J. J. Modi, 1922, pp. 102-161.

نامه دوم ۹ فصل یا بخش دارد. پیش از فصل‌ها دارای یک سرآغاز یا پیش‌درآمد کوتاه است. فصل نخست آن دارای ۱۷ بند، دوم ۱۳ بند، سوم ۱۶ بند، چهارم ۶ بند، پنجم ۱۹ بند، ششم ۸ بند، هفتم ۶ بند، هشتم ۵ بند و نهم ۱۵ بند است. از این‌رو از نظر حجم پس از نامه نخست قرار دارد.

نامه سوم یک فصل یا بخش دارد، و آن همراه با یک سرآغاز کوتاه و دارای ۲۳ بند است.

سبک نگارشِ نامه‌های منوچهر

نامه‌های منوچهر از ویژگی‌های سبکی برخوردار است که از دیدگاه سبک‌شناسی آن را از دیگر متون متمایز می‌سازد. نخست آن که شیوه نگارشی آن پر از الفاظ و تعقید دست‌وپاگیر به همراه عبارات سنگین و بلند و حاوی جمله‌های مرکب و معترضه و متنوع است. دوم آن که عبارات فقهی و اصطلاحات دینی کهن و ناشناخته در جابه‌جای متن جابخوش کرده‌اند که دریافت متن را دوچندان سخت و دشوار و پرابهام می‌سازد. سوم آن که خواننده به جای یک متن ادبی و معیار فقهی یا تاریخی با نامه‌نگاری روبرو است، که نویسنده (منوچهر) می‌کوشد دیدگاه خود را به زبانی بیان نماید که پایه آن صورت گفتاری (شفاهی) و بی‌قاعدگی زبان روزمره است. به سخن دیگر، این نامه‌نگاری هنگامی نوشته شده است که زبان پهلوی یک زبان مرده به‌شمار می‌آمد و نویسنده آهنگ آن دارد زبان گفتگو و مباحثه روز را با آن زبان خاموش به مخاطب یا مخاطبان خود تفهیم کند. این سبک نگارش این متن است که نامه‌های منوچهر را از دیگر متون هم‌زمان پهلوی برجسته و مجزا می‌کند.

چنان‌که گذشت و از متن نامه یکم بخش سوم بند ۴ برمی‌آید، منوچهر خود را دارای پیشه دبیری نمی‌داند و کار موبدی و دین‌مردی را برتر و ویژه‌تر از آن می‌پندارد که خود را به آن پیشه محدود سازد و این گونه ابراز فروتنی روش و شیوه بوده که در میان دیگر دبیران و پیشه‌وران دبیری آن روزگاران رواج داشته و هم اکنون نیز دارد.

در این متن، موضوعات دشوار و پیچیده بیان می‌شود که حاوی نکات فقهی همراه با شرح و بسط است، و عموماً ناشناخته و غریب می‌نماید که این محتوا و چیره‌دست نبودن نویسنده و دنبال‌روی از سبک نگارشی کهن، دلایل قابل‌فهم نبودن و دشواری متن است. برخلاف او، برادرش زادسپرم، چنان‌که از متن پهلوی گزیده‌های زادسپرم روشن می‌شود در پیشه دبیری و نویسندگی بسیار آزموده‌تر و کارآگاه‌تر است.

شایان یادآوری است که متن پهلوی در دست است که روش نامه‌نگاری را آن‌چنان که باید و شاید در روزگاران آغازین برآمدن اسلام به ایران برای خوانندگان عرضه می‌دارد که در اثری به نام متون پهلوی گردآوریده جاماسب آسانا، تحت نام آیین نامه‌نویسی، صفحات ۱۳۲ تا ۱۴۰ مندرج است. چنان‌که برمی‌آید منوچهر در آغاز و انجام نامه‌های خود، به‌ویژه نامه نخست و نامه دوم، اصول نامه‌نگاری آمده در آن شیوه نامه‌نویسی را به‌خوبی رعایت کرده است.

باید یادآوری کرد که برخلاف متن آیین نامه‌نویسی، در نامه‌های منوچهر، نویسنده از جایگاه برتر به شخص فرودست‌تر از خود، نامه‌نگاری می‌کند و بدین اساس است که خود را در برابر برادرش، زادسپرم، شاگرد و کوچک نمی‌شمارد (نک. نامه دوم، بخش ۵، بند ۵). نکات دیگری که بسیار نمایان است منوچهر

فردی صاحب کمال است و مجهز به دانش‌های زمانِ خویش، واژگان و عباراتی که در نوشته‌های خود به کار می‌برد آکنده است از دین‌آگاهی و اصلاح‌شناسی فقهی و آیینی کهن، که برخوانندهٔ امروزیِ این واژگان و اصطلاحات چندان آشنا نبوده و دریافتش میسر نیست. برخی ایران‌شناسان بدان پرداخته‌اند.^۵

افزون بر آن، در دسترس نبودن و فقدانِ پاسخِ نامه‌های او از سویِ زادسپرم، باز خواننده را سردرگم می‌کند او را با چالشی روبرو می‌سازد که گاهی تخیل ذهنی و سفسطه‌بافی به همراهِ حدس و گمان هم نمی‌تواند محتوای احتمالی پاسخِ نامهٔ زادسپرم را دریابد. و عواملی چون بدخوانی و دشواری متون زبان پهلوی، توأم با خوانش‌های احتمالی آن و خطاهای رسم‌الخط و تصحیف و تحریف نویسندگان و نسخه‌نویسان، همه و همه سبب دشواری‌های فراوانِ این گونه متون است.

در نوشتن متن نامه‌ها، منوچهر از ابزار زبانی مانند بذله‌گویی و ریشخند، شکوه و شکایت و گله‌گذاری بهره برده است. در کنار آن، استفاده از آرایه‌های ادبی و سخنان کنایی و تشبیه و ضرب‌المثل بی‌بهره نبوده است. یادآوری او به نادرست بودن آن طالع‌بینی که از درهم‌آمیزی شیوه‌های اختراعاتی و ستاره‌شناسی در زیج شهریاری و زیج هندی و زیج بطلمیوسی به دست آمده است (نک. نامهٔ دوم، بخش ۲ بند ۹ به بعد)، یا تمسک به آزند و مثلِ ادعای پیامبری فردی به نام زردشت (نامهٔ دوم، بخش یک، بند ۱۳)، بیرون آوردن سنگ از آب و جدا کردن زر از خاک برای تشخیص میانِ خوب و بد (نامهٔ نخست، بخش یک، بند ۳) مثلِ گزاری که به او گفتند آلودگی جامه را پاک کن و او جامه را در آتش نهاد (نامهٔ دوم، بخش سوم، بند ۱۶) و آن هیریدی که نیایش نمی‌خواند ولی گرفتن و

^۵ E. W. West, 1882, p. 19; M. Shaki, 1993, p. 551.

خوردن می و گوشت را از یاد نمی‌برد (نامه دوم، بخشی نهم، بند ۳)، برخی از نمونه‌ها است که حکایت از آن دارد نویسنده از گفتار و زبانزدهای روزمره و تشبیهات و کنایات رایج گفتاری بیشتر بهره برده است.

روش کار

نامه‌های منوچهر از آن متونی است که به سبب سبک نگارش و محتویات دشوار و دیرفهم تاکنون به فارسی برگردان و ترجمه نشده است. ما نیز در این چاپ آن را به فارسی ترجمه نکرده‌ایم، ولی برای این‌که نمونه کاری از خود در این کار نشان داده باشیم تنها نامه سوم را که کوتاه‌ترین نامه منوچهر است، به فارسی برگردانده‌ایم تا در چاپ‌های بعدی اگر بخت و زمان یار ما بود دو نامه دیگر را هم به فارسی برگردان خواهیم کرد. دلیل این کار این بوده است نخست یک متن انتقادی به دست دهیم و یک نمونه ترجمه ارائه کنیم تا پژوهندگان این حوزه هم نقد و نظری فرمایند و ما را یاری و راهنمای کنند.

چنان‌که گذشت دانشمند پارسی هند، دابار بیش از صد سال پیش، دست‌نویسی منتشر کرده که با نسخه‌بدل‌های واژه‌های مسئله‌دار برپایه نسخ یادشده در هر صفحه آمده است. ما برای ویراست انتقادی و با توجه به ترجمه‌ها و نمونه کارهای پیشین، به‌ویژه کارهای ارزشمند کانگا، دیگر دانشمند پارسی و دیگران، نسخه‌ای به‌صورت آوانویسی همراه با نسخه‌بدل‌ها و نمونه‌های گزینشی در پانوشت فراهم آوردیم تا پژوهشگران را به کار آید و در کنار آن واژه‌نامه متن را به همراه نمایه پهلوی با واژگان بسامدی متن و برابرنهادهای فارسی فراهم ساختیم که دست‌کم بتوانیم دشواری‌های صدصدی آن را به نود درصد کاهش

دهیم و راه را برای پژوهش‌های بعدی هموار سازیم، تا چه اندازه در این راه و در این کار کامیاب بودیم، داوری بر گردن خوانندگان است؛ اما همین بس که تاکنون چنین کاری، به‌ویژه به زبان فارسی، انجام نگرفته است، مگر برخی پایان‌نامه‌های دانشگاهی که امید است در آینده به صورت ویراسته منتشر شوند.

پیشینه کار

چنان که در آغاز این گفتار یادآوری شد، گویا نخستین ترجمه این کار از آن ادوارد وست، دانشمند ایران‌شناس انگلیسی، می‌باشد که به زبان انگلیسی، در کتاب‌های مقدس شرق، با ویراستاری ماکس مولر، جلد ۱۸، متون پهلوی، بخش ۳، به سال ۱۸۸۲ در انتشارات آکسفورد انگلستان به چاپ رسید.^۶ ترجمه وست ترجمه آزادی از مفاهیم و کلیات متن است. متن پهلوی آن را دابار دانشمند پارسی به سال ۱۹۱۲ در بمبئی چاپ کرده است. اساس کار دابار برپایه نسخه‌های شناخته‌شده BK و J و MR و MR₁ است و در کنار آن دست‌نوشته‌های دانشمند انگلیسی ادوارد وست (با نشانه W)، که از سوی انجمن آسیایی سلطنتی لندن، با برخی از متون به دانشگاه بمبئی فرستاده شده بود.^۷ پس از چندی، ف. م. کانگا، یکی دیگر از دانشمندان پارسی در مقالات گوناگون بخش‌ها و بندهای از نامه‌های منوچهر را منتشر کرده است. او از میان این نامه‌ها نامه سوم را به صورت کامل منتشر کرده است. برای آگاهی بیشتر از کارهای ایشان، نگاه کنید به کتاب‌نامه همین اثر.

^۶ E. W. West, 1882, pp. 277-366.

^۷ E. B. Dhabhar 1912. p. 18.

افزون بر آن، برخی گفتارها و جستارهایی دربارهٔ این متن پهلوی و محتوای آن شاید بوده باشد که در این پژوهش از دسترسی ما به دور مانده است.

در پایان امید آن است که خوانندگان کاردان و نکته‌سنج کاستی‌های این کار را یادآور شوند و برای بهبود کار در چاپ‌های آینده ما را یاری کنند. این گونه باد!

از جناب آقای سلیمان مختاری سرپرست فرهنگ‌دوست و ایران‌دوست نشر آوای خاور برای چاپ و پخش این اثر بسیار سپاس‌گزاریم.